

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.362881.3998>

Analysis and evaluation of external factors affecting the sanctions of the United States of America against Iran

Abstract:

Foreign policy has no meaning without taking into account national, transnational and non-governmental domestic actors. In the foreign policy campaign, there are forces that try to obtain the desired outputs in both internal and external environments by entering their inputs into the foreign policy system: one of these forces is the influential groups that, due to the legal structure of power in The United States influence foreign policy behavior. Now we point to two important external factors in the emergence of the current and recent decades-long situation between the United States and Iran, that is, the lobbying of Jews in America against Iran, and the other, effective think tanks on Iran sanctions. Therefore, the main problem of the present research has been that based on library studies and paying attention to reliable mass media, firstly, we describe and explain the mechanism of imposing sanctions in the American political structure, and in the next step, we discuss and examine why sanctions are imposed by external forces.

Keywords: foreign policy, sanctions, lobbies, think tanks, United States, Iran

تحلیل و ارزیابی عوامل بیرونی موثر در تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران

عباس فرهادی¹

غلامرضا کریمی²

ارسلان قربانی شیخ نشین³

تاریخ دریافت:

1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

چکیده

سیاست خارجی بدون در نظر گرفتن بازیگران داخلی ملی، فراملی و غیردولتی مفهومی پیدا نمی‌کند در پویش سیاست خارجی نیروهایی در دو محیط داخلی و خارجی وجود دارد که سعی می‌کنند با وارد ساختن ورودی‌های خود به سامانه سیاست خارجی، خروجی‌های مطلوب را به دست آورند یکی از این نیروها گروه‌های ذی نفوذ هستند که به دلیل ساختار قانونی قدرت در ایالات متحده آمریکا بر رفتار سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند. اینک به دو عامل مهم بیرونی در پدیدار شدن شرایط فعلی و چندین دهه ای اخیر میان آمریکا و ایران، یعنی لابی‌گری یهودیان در آمریکا علیه ایران و دیگری اتاق‌های تفکر موثر بر تحریم‌های ایران اشاره می‌کنیم. بنابراین مسأله اصلی پژوهش حاضر که براساس مطالعات کتابخانه‌ای و توجه به رسانه‌های جمعی معتبر بوده است در ابتدا توصیف و تشریح مکانیسم اعمال تحریم در ساختار سیاسی آمریکا بوده و در گام بعدی چرایی تحریم‌ها توسط نیروهای بیرونی را مورد بحث و بررسی و مذاقه قرار خواهیم داد.

کلمات کلیدی: سیاست خارجی، تحریم، لابی‌ها، اتاق فکرها، ایالات متحده، ایران

¹پژوهشگر و دکتری روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی

²دانشیار گروه روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی تهران و مدیر گروه روابط بین الملل

³استاد تمام گروه روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی تهران

مقدمه

تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا یکی از ابزارهای کلیدی این کشور در مقابله با ایران است ایالات متحده تحریم‌ها را با توجیه مقابله با قدرت ایران در منطقه که باعث برهم زدن نظم و ثبات نظام بین الملل است در پیش گرفته و تشدید کرده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن آن آمریکا تحریم‌های خود را علیه ایران آغاز کرد تحریم‌ها فعالیت‌های مربوط به صادرات و سرمایه‌گذاری‌های نفتی، کنترل تسلیحات و عدم گسترش را شامل شده است و علاوه بر منع کردن شرکت‌های آمریکایی از فعالیت در ایران دولت آمریکا را به سمت گسترش ممنوعیت‌ها به رقبای خارجی شرکت‌های آمریکایی سوق داده است. موقعیت استراتژیک ایران به گونه‌ای در منطقه قرار گرفته که نقش عوامل بیرونی در تحریم‌های آمریکا علیه ایران بسیار موثر است.

از بازیگران رسمی سیاستگذار خارجی در آمریکا که با عناوین قوه مجریه (شخص رئیس جمهور آمریکا، کابینه، وزرای خارجه و دفاع و خزانه داری، شورای عالی امنیت ملی و ...)، قوه مقننه و کمیته‌های

روابط خارجی مربوطه در هر دو مجلس نمایندگان و سنا؛ به عنوان پایه های اساسی تصمیم گیری خارجی قلمداد می شوند اما همه سیاست خارجی و خروجی های آن به این افراد امضا دار ختم نمی شود. چرا که سیاست خارجی بدون در نظر گرفتن بازیگران داخلی ملی، فراملی و غیردولتی مفهومی پیدا نمی کند. در پویش سیاست خارجی نیروهایی در دو محیط داخلی و خارجی وجود دارد که سعی می کنند با وارد ساختن ورودی های خود به سامانه سیاست خارجی، خروجی های مطلوب را به دست آورند یکی از این نیروها گروه های ذی نفوذ هستند که به دلیل ساختار قانونی قدرت در ایالات متحده آمریکا بر رفتار سیاست خارجی تاثیر می گذارند. اینک به دو عامل مهم بیرونی در پدیدار شدن شرایط فعلی و چندین دهه ای اخیر میان آمریکا و ایران، یعنی لابی گری یهودیان در آمریکا علیه ایران و دیگری اتاق های تفکر موثر بر تحریم های ایران اشاره می کنیم. بنابراین مساله اصلی این پژوهش توصیف و تشریح مکانیسم اثر گذاری عوامل بیرونی همچون لابی های جاری در ساختار غیر رسمی آمریکا و اتاق های فکر و همچنین بازیگرانی در سطح کشورها؛ بر قوانین و اجرای تحریم های آمریکا علیه ایران، می باشد.

بخش اول: تعریف مفاهیم نظری تحقیق

1. انواع تحریم

کارشناسان تحریم ها را ابزار های اقتصادی و مخربترین تحریم ها را ابزار هایی می دانند که منافع اقتصادی کشورها را هدف قرار می دهد، اما تحریم های اقتصادی را باید طبقه ای از تحریم ها دانست که مجموعه ای از اقدامات کلی یا به عبارت بهتر تحریم ها انواع مختلف زیر را در خود دارند: سیاسی و دیپلماتیک، نظامی، تحریم های فناوری و اقتصادی.

تحریم های سیاسی و دیپلماتیک

این تحریم ها بر جایگاه کشور هدف اثر گذاشته و برای آن هزینه ایجاد می کند که این تأثیر دیپلماتیک یا سیاسی است و به تبع آن با تحریم هایی مرتبط است که بر سطح دولت وارد می شود تا بر اشخاص و نهادها. اقدامات مرتبط نیز عبارتند از: تعلیق توانایی یک کشور برای مشارکت در سازمان ها و کمیته های بین المللی، منع صدور ویزا و سایر مجوزهای مرتبط با مسافرت و کاهش سطح روابط دیپلماتیک میان کشورها نظیر فراخوان سفیر چه به صورت موقت برای مشاوره و یا چه به صورت دائم. این تحریم ها دشواری هایی را بر کشور هدف وارد می کند، اما هزینه آن بیشتر به اعتبار و جایگاه بین المللی مربوط می شود تا زیان های اقتصادی. مهمتر اینکه این نوع تحریم ها به لحاظ مفهومی از مشاجرات دیپلماتیک که غالباً کشورها در سطوح مختلف با آن درگیر هستند متفاوت است. برهان و معیار اصلی برای تمایز میان دیپلماسی ساده از تحریم های دیپلماتیک این است که هزینه های محتمل و عمدی و ملموس ایجاد شده از طریق تحریم های دیپلماتیک برای کشور هدف کاملاً قابل لمس و احساس کردن است (نفیو، 1397: 37).

تحریم های اقتصادی

تحریم اقتصادی به تدابیری گفته می شود که توسط کشور یا گروهی از کشورها علیه کشوری اعمال می شود که به قوانین بین المللی تجاوز و از معیارهای اخلاقی مقبول تخطی کرده است. هدف تحریم کننده آن است که کشور متخلف را مجبور کند از اهداف خود منصرف شود یا حداقل برای پایان دادن به رفتار حاضر به مذاکره شود (پزدان پناه، 1374)

به بیان دیگر تحریم اقتصادی اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی اعم از روابط اقتصادی، تجاری و مالی برای اعمال فشار بر کشور هدف است که با مقاصد مختلف سیاسی و امنیتی صورت می گیرد، این اقدام یکی از ابزارهای قدرت های بزرگ برای مقابله با کشورهایی که در چارچوب سیاست آنها در نظام جهانی حرکت نمی کنند این تحریم ها ابزارهایی برای تغییر رفتار سیاسی یک دولت محسوب می شوند بنابراین تحریم های اقتصادی اقداماتی سیاسی هستند زیرا از آنها به عنوان ابزارهای سیاست خارجی که منجر به تغییر سیاست های داخلی و خارجی یک دولت می شوند یا برای تضعیف اقتدار یا ثبات حکومت استفاده می شود (قاسمی، 1387: 143). تحریم های اقتصادی طریق اعمال می شود تحریم تجاری و تحریم مالی تحریم تجاری با محدودسازی قطع کردن انواع روابط وارداتی و صادراتی به اجرا در می آید در تحریم مالی محدودیت و تضییقات و فشارهایی بر روابط مالی کشور هدف اعمال می شود یعنی سرمایه گذاری تامین مالی و معاملات مالی کشور تحت فشار قرار می گیرد (همان: 144).

آنچه که اثرپذیری اقتصادی تحریم ها را تعیین می کند به اهداف تحریم، شرکای تجاری کشور تحریم شده، هزینه های اجرایی تحریم، رابطه تجاری تحریم شونده و تحریم کننده پیش از تحریم، همراه کردن سایر کشورها از سوی تحریم کننده و در نهایت فهرست کالاهای مشمول تحریم است. در ارتباط با موفقیت تحریم اقتصادی در دستیابی به اهداف خود شرایط زیر مطرح شده است:

- هزینه تحریم برای اقتصاد کشور هدف بیش از 2 درصد تولید ناخالص ملی باشد؛
- نسبت تولید ناخالص کشور تحریم کننده حداقل 10 برابر کشور تحریم شده باشد؛
- امکان تسلط بر بیش از 25 درصد کل تجارت کشور هدف؛

تحریم‌ها به سرعت و با همکاری سایر کشورهای اعمال شود که شریک تجاری کشور هدف به شمار می‌روند؛

- هزینه تحمیل تحریم‌ها برای کشور تحمیل‌کننده پایین باشد. (گرشاسپی و دیندارلو، 1395: 133).

تحریم‌های نظامی

این تحریم‌ها دسترسی کشور به تجهیزات نظامی و کمک فنی را از بین می‌برد یا محدود می‌کند. چنین تحریم‌هایی می‌تواند شامل ممنوعیت‌های بین‌المللی مستقیم باشد نظیر تحریم‌هایی که شورای امنیت علیه عراق و ایران اعمال کرده است، یا تحریم‌های دولت محور که مانع از همکاری‌های نظامی می‌شوند یا آن‌ها را محدود می‌کنند. هدف اصلی این تحریم‌ها فعالیت‌های نظامی است و این که دسترسی‌های قبلی یا همکاری‌هایی که وجود داشته است از بین برود و از این طریق کشور هدف فشار سیاسی را احساس کند و در بلندمدت توان نظامیاش تحلیل برود (نفیو، 1397: 38).

تحریم‌های حوزه فناوری

این تحریم‌ها را نیز می‌توان در دو گروه بررسی کرد یکی تحریم‌های ناظر بر کسب دانش و دیگری تحریم‌های ناظر بر کسب تکنولوژی. در تحریم‌های مربوط به کسب دانش، فعالیت‌هایی که باعث توسعه دانش در کشور هدف شود مشمول تحریم قرار می‌گیرد. در ارتباط با انتقال تکنولوژی به کشور هدف نیز این تحریم‌ها فن‌آورهای خاصی را برای توقف پیشرفت کشور هدف قرار می‌دهند مانند تکنولوژی‌های نظامی، هسته‌ای، ساخت هواپیما، کشتی‌سازی، تکنولوژی‌های مربوط به صنایع نفت و گاز و ... (قمری فرزاد، 1394: 5). هدف این دسته از تحریم‌ها ناتوان کردن و ایجاد اختلال در توسعه فناوری در یک کشور است که یا به صورت خاص نظیر ممنوع کردن کمک به توسعه فرصت‌های اقتصادی و منابع ملی مهم صورت می‌گیرد یا به صورت عمده در حوزه‌های مختلف انجام می‌شود. در این مسیر روش‌های مذکور تبعات بلندمدت‌تری از سایر انواع تحریم‌ها دارد و عملاً قابلیت سنجش بیشتری داشته و می‌توان از آن‌ها علیه افراد و نهادها نیز استفاده کرد و دسترسی آن‌ها به صادرات یا مشارکت در پروژه‌های مختلف را محدود یا ممنوع کرد (نفیو، 1397: 38).

بخش دوم: کاربرد تحریم در سیاست خارجی آمریکا

دولت‌های ایالات متحده مجموعه ابزار گسترده‌ای از اقدامات برای رسیدگی به چالش‌های سیاست خارجی و امنیت ملی در اختیار دارد: تعامل دیپلماتیک، پاسخ نظامی، حمایت اقتصادی، کمک حقوقی، و تحریم‌های اقتصادی و مالی و غیره. یک دولت ممکن است ابزارهای خاصی را به دلایل مختلف انتخاب کند. یک پاسخ نظامی ممکن است به طور غیرضروری مشکل سیاست خارجی را تشدید کند یا ممکن است پشتیبانی از آن بسیار خطرناک باشد. تعامل دیپلماتیک ممکن است قبلاً شکست خورده باشد یا بعید است که نتایج به موقع به دست آورد. تحریم‌ها ابزار قهرآمیزی را ارائه می‌دهند که پیامی قوی می‌فرستد و در صورت اعمال مناسب و مؤثر می‌تواند تأثیر قابل توجهی داشته باشد (O'Toole and Sultoon, 2019, 11). طبق یک مطالعه جامع در مورد تحریم‌های اعمال شده، بطور کلی هدف از کاربرد تحریم‌ها مجازات کشورهایایی بوده است، که ثروت و امنیت آمریکا و متحدان او را مورد تهدید قرار می‌داده‌اند. همچنین دستیابی به اهداف ایدئولوژیک و پیگیری سیاست تجاری راهبردی و مناسبات تجاری از جمله مقاصد آمریکا بشمار می‌رفته است (فرهی، 1376: 46). علاوه بر این مخالفت‌های داخلی علیه تحریم‌ها آنچنان نیست که برای سیاستمداران آمریکایی در بردارنده هزینه‌ای باشند تا آن‌ها را در استفاده از این ابزار منصرف کند. پس به نظر می‌رسد تا زمانی که تحریم‌های ایالات متحده هزینه‌های سنگین برای اقتصادی ایالات متحده و سیاستمداران این کشور در بر نداشته باشند روند اعمال تحریم‌ها همچنان ادامه یابد (علوی، 1385: 75).

بخش سوم: عوامل بیرونی مؤثر در تحریم‌های آمریکا علیه ایران

الف: لابی‌گری یهودیان

این ایده که لابی اسرائیل در ساختار سیاست و قدرت ایالات متحده وجود دارد، حداقل از اوایل دهه 1970 وجود داشته است، اما تنها پس از انتشار مقاله‌ای با همین نام در *The London Review of Books* در سال 2006 توسط دانشمندان علوم سیاسی جان میرشایمر و استفان والت، موضوع بحث گسترده‌ای شد. این مقاله که به یک کتاب تبدیل شد، بسیاری از خوانندگان را با نگاه توطئه‌آمیز خود تحت تأثیر قرار داد. با اصرار بر اینکه نومحافظه‌کاران یهودی، رئیس‌جمهور بوش را متقاعد کرده‌اند که برای محافظت از اسرائیل وارد جنگ در عراق شود، با این حال، اما نویسندگان ادعایی را مطرح کردند که به نظر بسیاری از افراد آگاه بسیار نزدیک به آن بود: لابی اسرائیل موفق شده بود تقریباً هر انتقادی را که از اسرائیل خارج از حد و مرز باشد، به ویژه در کنگره، را وتو کند (Traub, 2009).

لابی اسرائیل مهم‌ترین گروه ذی نفوذ در ایالات متحده آمریکا است که در جهت تحقق اهداف خود، دستور کارهای مشخصی را تعریف کرده و فعالانه سعی می‌نماید بر مسئولان سیاست خارجی اعمال نفوذ کند. (زادگان، 1395: 97) از دیگر مواردی که بر وضع روابط و تصمیم سازی آمریکا نسبت به ایران دخالت بیرونی ولی بعضاً مستقیم داشته است می‌توان به «**قانون‌های تفکر تاثیر گذار در سیاست خارجی آمریکا**» اشاره کرد. اتاق فکری هم‌چون بنیاد دفاع از دموکراسی (FDD)، بنیاد هریتیج، موسسه بروکینگز، مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا، موسسه واشنگتن در سیاست خاور نزدیک، شورای روابط خارجی (CFR)، موسسه آمریکن اینترپرایز، مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل و .. از جمله مهم‌ترین گروه‌هایی هستند که بر سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه و به خصوص موضوع ایران و مسائل هسته‌ای و حقوق بشری آن، ورود کرده و بیشتر هم نقش منفی و تلاش برای وضع تحریم علیه ایران؛ داشته‌اند.

بخش اول: انواع لابی‌ها

از نظر تکنیک لابی‌گری نیز لابی را می‌توان به دو دسته «لابی غیرمستقیم یا بازی خارجی» و «لابی مستقیم یا بازی داخلی» تقسیم کرد.

الف. لابی غیرمستقیم یا بازی خارجی

منظور از لابی غیرمستقیم اقداماتی است که در خارج از مجالس قانون گذاری برای حمایت از اقدامات و تلاش‌های داخلی صورت می‌گیرد. این حمایت می‌تواند از ائتلاف گروه‌های مختلف بسیج مردمی و در نهایت از سوی خود مردم به شکل مستقیم و از طریق رسانه‌ها، مبارزات روابط عمومی و تبلیغات حاصل شود.

ب. لابی مستقیم یا بازی داخلی

ائتلاف سازی، مبارزات بسیج عمومی و بهره‌گیری از رسانه‌ها و روابط عمومی به عنوان ابزار بازی خارجی یا همان لابی غیرمستقیم برای گروه‌هایی که امکانات لابی مستقیم آن‌ها محدود می‌باشد. بسیار حیاتی هستند. این امر به خصوص درباره‌ی لابی‌گران گروه‌های منفعت عمومی که اغلب دنبال سازش نیستند، صادق می‌باشد. اما بسیاری از گروه‌های دارای منافع خاص کمتر به بازی خارجی نیاز پیدا می‌کنند و یک استراتژی داخلی - برای لابی داخلی - برای آن‌ها کافی است. (سازمان پدافند غیرعامل کشور، 1393؛ 10-11)

لابی یهودیان آمریکا بدلیل قدرت کارایی و توانایی شکل بخشی به نتایج سیاست خارجی آمریکا، جایگاه ویژه‌ای دارد یهودیان آمریکا حجم قابل توجهی از سرمایه در گردش و مجموعه فراگیری از ابزارهای اطلاع‌رسانی آمریکا و مراکز قدرت سیاسی را در اختیار دارند. قدرت فراگیر یهودیان موجب شده است که آن‌ها توسط گروه‌های لابی خود، بر روندهای سیاست‌گذاری داخلی و خارجی آمریکا، تاثیر غیرقابل انکاری داشته باشند. (طباطبایی، 1385: 36)

یکی از جنبه‌های اعمال تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، هدفی است که در مقطعی در سیاست خارجی واشنگتن مطلوبیت می‌یابد و آن تغییر حاکمیت در ایران است. استورات لوی یکی از هواداران اسرائیل در آمریکا است که با آغاز ریاست جمهوری باراک اوباما و انتخاب تیم گینر به عنوان وزیر دارایی، انتخاب شد. تیم گینر در مراسم معارفه خود، وی را به عنوان سرمعمار تحریم‌های مالی-بانکی ایران معرفی کرد که براساس سیاست‌های اجرایی باراک اوباما، نقش رهبری را در جهت گیری تحریم‌ها بر عهده دارد. سمپات‌های اسرائیل، طراحان، مجریان، قانون‌گذاران یا ناظرانی هستند که تابعیت اسرائیل را ندارند؛ ولی به صورت غیرمستقیم منافع آن را تامین می‌کنند. واکنش‌های لابی‌های اسرائیل به انتصاب استورات لوی در دولت باراک اوباما به حدی بود که دیوید هریس- مدیر اجرایی کمیته یهودیان آمریکا و لابی‌هایی همچون «بنیاد دفاع از دموکراسی» و «مرکزیت سیاست یهودیان» از آن به عنوان دستاورد بزرگی برای جامعه یهودیان آمریکا نام بردند. اداره کنترل دارایی‌های خارجی به عنوان مهم‌ترین زیرمجموعه استورات لوی، نقش محوری را در تحریم صنایع مالی یا بلوکه کردن حساب‌های بانکی اشخاص حقیقی و حقوقی وابسته به وزارت دفاع، سپاه پاسداران، سازمان انرژی اتمی و شرکت‌های کشتیرانی ایران ایفا می‌کند. (امام جمعه زاده و دیگران، 1394: 107)

گروه‌های یهودی توانستند با حمایت جنبش صهیونیسم، کمیته‌ای را در سال عوامل موثر بیرونی در تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران 1959 تشکیل دهند. لابی‌های یهودی از طریق سازمان‌های متعددی که در آمریکا دایر کرده، از ثروت و پول خود برای حمایت اعضای کنگره از اسرائیل استفاده می‌کند و همیشه توانسته است دولت‌های آمریکا را تحت فشار قرار دهد تا به کمک‌های خود به اسرائیل ادامه دهند. در آمریکا دو حزب اصلی وجود دارد که لابی اسرائیل در هر دو حزب به شدت فعال است و نفوذ قابل توجهی هم در هر دو حزب دارد. در اسرائیل هم با وجود احزاب مختلف اما دو حزب اصلی وجود دارد. یهودیان و صهیونیست‌هایی که در آمریکا مستقر هستند ارتباطشان با احزاب اسرائیلی یکسان نیست. (شیرازی و دیگران، 1395: 153)

مهم‌ترین سازمان‌ها و گروه‌های ذی‌نفع یهود در آمریکا

1. کمیته امور عمومی اسرائیل- آمریکا

ایک بازوی اصلی نفوذ لابی اسرائیل بر نمایندگان کنگره محسوب می‌شود و یک لابی ثبت شده به حساب می‌آید که هر چند یک کمیته‌ی اقدام سیاسی نیست و نمی‌تواند به شکل علنی کمک مالی در اختیار نمایندگان طرفدار اسرائیل و یا نامزدهای انتخاباتی مورد نظر خود قرار دهد اما بر همه واضح است که در خفا و به شکل غیرعلنی از حامیان مالی بزرگ افراد مذکور به حساب می‌آید به گفته‌ی رسانه‌ها و منابع آمریکایی، ایک همواره در زمره‌ی پنج لابی بزرگ ایالات متحده قرار داشته و هر ساله مبالغ زیادی را صرف لابی در ایالت‌ها و در سطح فدرال می‌نماید.

ایک در سال 1953 و در دوره‌ی ریاست جمهوری ایزنهاور توسط «ایسیا ال. سی کزن» و تحت عنوان «کمیته‌ی صیهونیست‌های آمریکایی برای امور عمومی» پا به عرصه‌ی لابی ایالات متحده گذاشت. طبق اطلاعات موجود در تارنمای این سازمان، هدف اصلی ایک در حال حاضر، لابی در کنگره بر سر مسائل و قوانین مرتبط با منافع صیهونیسم است.

از جمله اولین اقدامات ایک بر علیه ایران تلاش فراوان برای تصویب اولین قانون تحریم‌های گسترده علیه ایران بوده است که به قانون داماتو در 1995 میلادی مشهور است. این قانون علی‌رغم مخالفت کلینتون با تحریم ثانویه به دلیل ضرر بر متحدین آمریکا، با چانه زنی‌های فراوان و پشتکار ایک تویب شده است. اعضای ایک در جریان تلاش کمیته روابط خارجی سنا و کمیته تامین معاش مجلس نمایندگان قرار داشتند و اختلاف این دو کمیته را برای تصویب این قانون علیه ایران رفع و رجوع می‌کردند. بنابراین دو خواست مهم و نهایی ایک یعنی یکی منع کلی تجارت آمریکا با ایران و منع کشورهای ثالث از تجارت با ایران محقق شد. کلینتون نیز به رغم مخالفت اولیه 15 ماه پس از سخنان خود در کنگره جهانی یهود، قانون تحریم‌های ایران و لیبی را امضا کرد (زهرانی، 1395؛ 191-192). بعدها این قانون مادر همه تحریم‌های ایران تبدیل شده به طوری که قانون تحریم‌های ایران و لیبی و نهایتاً قانون تحریم‌های ایران بر این مبنا شکل گرفته اند که اولاً سرمایه‌گذاری را در ایران منع می‌کرد و ثانیاً تجارت آمریکا با ایران را منع می‌کردند.

2. مجمع روسای سازمان‌های عمده یهودی- آمریکایی

مجمع روسای سازمان‌های عمده یهودی-آمریکایی در سال 1956 و در دوره ریاست جمهوری ایزنهاور تاسیس شد. در این دوره جامعه یهودیان آمریکا رشد چشمگیری یافته و روند تاثیرگذاری سیاسی و اجتماعی آن رو به افزایش بود دولت ایزنهاور خواهان ارتباط با یک سازمان واحد برای شنیدن نظر کلیه سازمان‌های یهودی آن زمان بود و این خواست مبنای پیدایش مجمع گردید. در حقیقت مجمع مذکور، صدای واحد جامعه یهودی آمریکا به حساب می‌آید و طرف مشورت مقامات آمریکایی در زمینه مسائل مهم است.

طبق اطلاعات موجود در تارنمای مجمع روسای سازمان‌های عمده یهودی-آمریکایی، این کنفرانس:

(1) هماهنگ کننده اصلی جامعه یهودیان آمریکا و نماینده 50 سازمان یهودی-آمریکایی از سیاسی گرفته تا مذهبی است.

(2) محل اصلی گردهمایی رهبران آمریکایی و صیهونیستی برای بحث و بررسی موضوعات مرتبط با جامعه یهودیان آمریکا است.

(3) لابی و مدافع اصلی جامعه یهودیان این کشور می‌باشد.

این سازمان وظیفه خود را موارد زیر اعلام کرده است:

تقویت و تسریع روابط اسرائیل-آمریکا-تضمین درک منافع اسرائیل در بین مقامات و افکار عمومی آمریکا-بحث و بررسی مسائل مهم سیاست خارج یهودیان-نمایندگی منافع یهودیان آمریکا-محافظت و تامین امنیت و ارزش‌های یهودیان در سراسر دنیا

موضوعات اصلی مورد توجه سازمان مذکور مواردی نظیر روابط اسرائیل-ایالات متحده صلح خاورمیانه، امنیت اسرائیل، سازمان ملل و اسرائیل، مبارزه با گروه‌های جهادی، حمایت و پشتیبانی از یهودیان اعلام شده است. شایان ذکر است تمام اعضای مجمع، عضو کمیته‌ی اجرای ایک نیز محسوب می‌شوند. مجمع مذکور را که محل استقرار آن در نیویورک قرار دارد-می‌توان در حقیقت بازوی لابی صیهونیسم در قوه مجریه ایالات متحده و تکمیل کننده‌ی نقش ایک، به عنوان بازوی لابی در کنگره در مباحث تحریم‌های گسترده علیه ایران به حساب آورد به طوری که در تصویب خیلی از قوانین تحریمی علیه ایران در خلال تصویب قوانین بودجه سالانه مشارکت داشته است. (سازمان پدافند غیرعامل کشور، 1393: 29-30).

3. لابی مسیحیان صهیونیست

صهیونیست‌های مسیحی نفوذ و قدرت بالایی در نظام سیاسی و اجتماعی ایالات متحده دارند و از این جهت مطابق با این دیدگاه، مسیحیان صهیونیست معتقدند که سرزمین فلسطین وجب به وجب و تا ابد به اسرائیل تعلق دارد. لذا ایجاد منازعه جهانی و به ویژه منازعه منطقه‌ای در خاورمیانه در باور مسیحیان صهیونیست ضروری است. بنابراین اینان همواره درصدد هستند که سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه را به سمت نظامی‌گری و ایجاد هر ج و مرج در خاورمیانه به پیش برند تا زمینه برای آخرین مرحله ظهور منجی مسیحیان، حضرت عیسی، فراهم شود و در اینجا می‌توان اذعان داشت که نگرش به آرماگدون و آخرالزمان، مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل ارتباط میان مسیحیان صهیونیست و تدوین راهبرد و سیاست‌های تهاجمی ایالات متحده در خاورمیانه است. از این رو بسیاری از رهبران مسیحیان صهیونیست مواضع جنگ طلبانه نسبت به مقولات سیاست خارجی در خاورمیانه دارند و از طرفداران سفت و سخت اسجاد جنگ در عراق و افغانستان بوده‌اند و هم اکنون نیز از آشوب‌های خاورمیانه احساس رضایت می‌کنند و در صدد سرایت و انتقال این ناامنی‌ها و آشوب‌ها به سایر کشورهای مسلمان نظیر ایران نیز هستند. حمایت از حمله نظامی آمریکا به ایران باعث شده که سیاست‌گذاران آمریکایی تحت تاثیر قرار گرفته و تحریم‌های گسترده‌ای علیه ایران تصویب کنند. تاثیر نفوذ لابی مسیحیان صهیونیست بر سیاست خارجی ایالات متحده و در حمایت از اسرائیل از لابی یهود بسیار بیشتر بوده استغ چراکه تنها انگیزه اصلی لابی مسیحیان صهیونیست در حمایت از رژیم اسرائیل، نگاه‌ها و نگرش‌های آخر الزمانی آنان است و بر مبنای این دیدگاه‌هاست که رهبران مسیحیان صهیونیست همواره به صورت سفت و سخت از دولت غاصب اسرائیل و سیاست‌های هر ج و مرج طلبانه و تهاجمی آن در خاورمیانه دفاع و از دیدگاه‌های و سیاست‌های اتخاذی رژیم حمایت بی‌قید و شرط می‌نمایند و همواره درصدد هستند رابطه ویژه میان ایالات متحده و رژیم صهیونیستی را حفظ کنند که در حقیقت تمام این‌ها، به دلیل همان بینش‌ها و گرایش‌های آخر الزمانی مسیحیان صهیونیست است که صورت می‌پذیرد. (منتظران و دیگران، 1395: 20)

4. اتحاد علیه ایران هسته‌ای

اتحاد علیه ایران هسته‌ای یک نهاد غیردولتی و غیرانتفاعی است که هدف خود را «جلوگیری از تلاش‌های ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای دارای تسلیحات هسته‌ای» عنوان کرده است. این گروه تلاشی انجام می‌دهد تا شرکت‌های مختلف را متقاعد کند تا در جهت متوقف ساختن برنامه هسته‌ای حکومت ایران و توسعه تسلیحات هسته‌ای توسط وی، روابط اقتصادی خود با ایران را قطع کنند. مدیر عامل این نهاد مارک والاس، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل است. گری سیمور، مشاور اوباما در کنترل تسلیحات کشتار جمعی از سال 2009 رئیس این نهاد بوده است. بنیانگذاران اولیه‌ی آن ریچارد هالبروک و دنیس راس بوده‌اند که پیش از اینکه در دولت اوباما منصوب شوند. آن را اداره می‌کردند. در سال 2012 بنیاد اتحاد علیه ایران هسته‌ای مشارکتی با موسسه گفت‌وگوهای راهبردی یک اتاق فکر که مقر آن در لندن است به منظور جلوگیری از یک ایران هسته‌ای آغاز نمود. (سازمان پدافند غیر عامل، 1393: 28) طرح یوآئی-آی اس دی، همکاری میان انگلستان و آمریکا به منظور مبارزه با فعالیت‌های هسته‌ای ایران محسوب می‌شود. هدف این رهبران اروپایی و آمریکایی لابی‌گری و اثرگذاری به منظور متقاعد کردن قانون‌گذاران و دلتمردان اروپایی و آمریکایی به خطرناک بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تلاش برای افزایش فشارها و تحریم‌ها علیه ایران است.

اهداف طرح یوآئی-آی اس دی

اهداف آن‌ها شناسایی و حمایت از اقدامات نظارتی و قانونی برای پیاده‌سازی یک رژیم تحریمی قوی و جامع در برابر ایران، به عنوان وسیله‌ای برای حل تعارض؛ پیاده‌سازی کشور به کشور آگاه‌سازی و کمپین‌های آموزشی طراحی شده برای وادار کردن بخش کسب و کار خصوصی کلیدی به عنوان راهی برای پیشبرد اثر بخشی تحریم‌های سازمان ملل متحد، ایالات متحده و اروپا، و تشویق دولت ایران برای حل و فصل درگیری خود با جامعه بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای خود.

جهت دادن به افکار عمومی در سراسر اروپا و تبلیغ درباره خطر و تهدید هسته‌ای ایران، راه افتادن مسابقه تسلیحاتی در منطقه و نیاز به مقابله با حمایت دولتی از تروریسم و نقض حقوق بشر از طریق پیاده‌سازی استراتژی رسانه‌ای و ارتباطاتی متمرکز.

فعالیت‌های گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای

یوآئی فهرست کسب و کار ایران (IBR) را راه اندازی کرده است، پایگاه داده‌ای فعال از رسانه‌ها و گزارش‌های معتبر درباره شرکت‌های بین‌المللی درگیر کسب و کار در ایران. این پایگاه از شرکت‌ها می‌خواهد با امضاء اعلامیه‌ای شرکت نداشتن خود را در تجارت با ایران اعلام کنند. تاکنون نام بیش از پانصد شرکت در فهرست IBR ثبت شده است. (خبرگزاری تسنیم، 1393)

6. لابی جی استریت

جی استریت جریانی که هر چند خواهان بقای اسرائیل است اما با نگرشی متفاوت خود را رقیب قدرتمند لابی‌های راست‌گرای یهودی در آمریکا می‌داند. کمیته روابط عمومی آمریکا - (اسرائیل آپیک)، کمیته

یهودیان آمریکا، انجمن روسای سازمان های یهودی آمریکا و موسسه های دیگر نام هایی هستند که در یک چیز مشترک اند حمایت از راستگرایان اسرائیل به ویژه حزب لیکود و استفاده از نفوذ سیاسی و، اقتصادی اجتماعی خود برای تاثیر بر مراکز تصمیم گیری آمریکا در جهت منافع اسرائیل، مجموعه سیاست هایی که رویکرد آن عمدتاً در تضاد با مفاد قرارداد صلح اسلو اما باب طبع تندروهای اسرائیل است. جی استریت نام نهادی است که حمایت از اسرائیل را نه در اردوگاه محافظه کاران بلکه در میان لیبرال ها می بیند که حمایت از اسرائیل را چیزی جدا از حمایت بی قید و شرط از احزاب تندرو حاکم در اسرائیل می داند و به این ترتیب سازمانی که اکنون رقیب لیبرال و هوادار صلح، در برابر آپیک محافظه کار پا به میدانی می گذارد که در آن لابی های اسرائیلی هر چند در عنوان حمایت از اسرائیل همداستان اند اما در مقید بودن یا نبودن این حمایت یا مصادیق آن دچار اختلاف اند.

ماموریت جی استریت را می توان به دو بخش تقسیم می شود:

1) حمایت از رهبری دیپلماتیک و مبرم آمریکایی ها به منظور دستیابی به راه حل دو ایالتی و منطقه ای پهنار و صلحی فراگیر در بحران خاورمیانه

2) تضمین مذاکرات خارجی در مورد اسرائیل و خاورمیانه در سیاست های ملی و انجمن یهودی های آمریکایی

جی استریت نشان دهنده آمریکایی هایی است که اصولاً یهودی اند و نه انحصاراً، که اسرائیل و خواسته آنها مبنی بر امنیت وطن یهودی ها حمایت می کند. از سوی دیگر فلسطینی ها هم در قسمت مربوط به خود از این دو کشور دارای اقتدار باشند و هر دو گروه در صلح و امنیت با هم زندگی کنند. آنها معتقدند که پایان کشمکش اسرائیل و فلسطین بهترین سود را برای اسرائیل، آمریکا، فلسطین و منطقه دارد. جی استریت راه حل های دیپلماتیک دیگری را هم علاوه بر راه حل های نظامی حمایت می کنند. از جمله ایران، راههای چندجانبه برای تحلیل کشمکش و گفتگو با طیف زیادی از کشورها و حامیان زمانی که کشمکش به اوج خود می رسد. جی استریت به شکل موثری از فرآیندهای سیاسی در کنگره ها، در رسانه ها و در اجتماعات یهودی حمایت می کند تا تضمین کنند که صاحب منصبان اجتماعی و رهبران اجتماعات آشکارا متوجه پهنای و عمق حمایت دیدگاه های ما در سیاست خاورمیانه در میان رای دهندگان و حمایت کنندگان در ایالت خودشان بشوند. (بخشایشی اردستانی و دیگران، 1390: 79).

جی استریت از جمله حامیان برجام و گفتگوهای هسته ای بوده است و گرچه نظرات انتقادی در خصوص این توافق با ایران داشته است با این وجود معتقد بود امنیت اسرائیل پایدار تر می شود. گرچه تحریم هایی را با استفاده از عوامل خود به کنگره برای تصویب بر علیه ایران ارائه کرده است.

7. کمیته یهودیان آمریکا

کمیته یهودیان آمریکا در سال 1906 توسط گروهی از یهودیان آمریکایی و در واکنش به وضعیت یهودیان روسیه و برای متحد ساختن یهودیان آمریکا برای دفاع از حقوق یهودیان در سراسر جهان تاسیس گردید. کمیته یهودیان آمریکا که از قدیمی ترین سازمان های طرفدار رژیم صهیونیستی است که حوزه های فعالیت خود را (1) مبارزه با یهودستیزی و صهیونیسم ستیزی (2) حمایت از امنیت و بقای اسرائیل (3) تقویت و گسترش سبک زندگی یهودی و (4) استقلال انرژی ایالات متحده؛ عنوان کرده است.

موضوعات مورد توجه این کمیته نیز چهار حوزه

-سیاست خارجی (مشمول بر روابط دین با سیاست، آموزش عمومی انرژی، امنیت ملی، حقوق مدنی، مهاجرت)؛

-یهودستیزی (انواع آن در قالب های سیاسی، مذهبی، نژادی و غیره)؛

-سیاست بین المللی (آمریکای لاتین، سازمان ملل، آسیا، اروپا، ضدتروریسم، اسرائیل و خاورمیانه و حقوق بشر)؛

-سبک زندگی یهودی (روابط اسرائیل با دایاسپورای یهود، تداوم یهودیت و ازدواج های درون قومی، یهودیان آمریکا، آموزش یهودی، ادبیات یهودی، روابط درونی گروه های یهودی با یکدیگر)؛ و

- مسائل بین مذهبی و قومی (روابط یهودیان- مسیحیان، روابط یهودیان-مسلمانان و غیره)؛ را دربر می گیرند.

کمیته یهودیان آمریکا علاوه بر مقر اصلی خود در واشنگتن، دارای 31 نمایندگی در آمریکا و 8 نمایندگی در خارج از این کشور است و از 32 سازمان همکار بین المللی سود می برد. (سازمان پدافند غیرعامل، 1393: 40). این کمیته یکی از بازوهای آپیک در به ثمر رسیدن تحریم ها علیه ایران و بلوای مساله هسته ای ایران در آمریکا و گوشزد کردن خطر آن برای ایران به بهانه نفی هلوکاست از جانب محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت ایران بوده است.

1. بنیاد دفاع از دموکراسی (FDD):

بنیاد دفاع از دموکراسی اندکی پس از حملات 11 سپتامبر 2001 تأسیس شد. این بنیاد یک موسسه سیاست‌گذاری است که بر سیاست خارجی و امنیت ملی تمرکز دارد و ترکیبی از تحقیقات سیاست، آموزش دموکراسی و مبارزه با تروریسم، ارتباطات استراتژیک و روزنامه‌نگاری پژوهشی در حمایت از مأموریت مورد ادعای خود برای ترویج کثرت‌گرایی، دفاع از ارزش‌های دموکراتیک و مبارزه با ایدئولوژی‌های محرک تروریسم است. هدف همه پژوهش‌های انجام شده توسط این بنیاد تقویت امنیت ملی ایالات متحده و کاهش یا از بین بردن تهدیدات ناشی از مخالفان و دشمنان ایالات متحده و سایر متحدان آن است.

بنیاد دفاع از دموکراسی در سطح بین‌المللی در راستای پیگیری طرح انقلاب‌های نرم در کشورهای هدف کاخ سفید، با حمایت و ایجاد مراکزی چون بنیاد سوروس، طرح انقلاب‌های رنگین را در کشورهای چون گرجستان، قرقیزستان، و ... اجرا کرده است. این بنیاد حتی با حمایت از شبکه‌های مدنی و ایجاد تنش‌های سیاسی در میان گروه‌های مختلف، در پی ایجاد براندازی نرم در کشورهای مورد نظر دوات آمریکا است. تمرکز اصلی این بنیاد در خارج از جامعه آمریکا، اولاً مقابله با جریان‌های فکری مخالف و متضاد با ارزش‌های دنیای غرب، به‌ویژه اسلام است به طوری که این بنیاد در اساس‌نامه‌ی خود، جنگ بزرگ قرن 21 را جنگ با اسلام معرفی می‌کند؛ ثانیاً مقابله‌ی مدنی و نرم با حکومت‌های متضاد با منافع آمریکا از دیگر فعالیت‌های مهم این بنیاد فکری است (لابی‌های موثر در تحریم اقتصادی علیه ایران، 1393: 18). این بنیاد نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست خارجی واشینگتن در قبال ایران دارد. تیم ایران این بنیاد تمام زوایای نمونه کارهای ایران را پوشش می‌دهد و شامل برخی از کارشناسان برجسته واشینگتن در زمینه تحریم‌ها، امور مالی غیرقانونی، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تروریسم، حقوق بشر و دستگاه‌های قدرت داخلی جمهوری اسلامی ایران است. موضوعاتی که بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در همین زمینه بررسی کرده است شامل مسیرهای بالقوه ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، برنامه موشک‌های بالستیک، پشتیبانی از تروریسم و گروه‌های نیابتی تروریستی، فعالیت‌های مالی غیرقانونی، عملیات رسانه‌ای در سراسر جهان و سرکوب داخلی است. تیم ایران توسط مدیر اجرایی بنیاد مارک دوبوویس هدایت می‌شود، که به عنوان یک متخصص در زمینه تحریم‌ها، برنامه هسته‌ای ایران و شبکه تهدید جهانی شناخته شده است. وی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری سیاست‌های مقابله با تهدیدات رژیم در ایران شناخته شده است و به دولت ترامپ توصیه کرد؛ برای اجرای موفق کمپین فشار حداکثری علیه مقامات ایران باید دسترسی همه بانک‌های ایرانی را با سیستم بانکی جهان که شامل دسترسی به سوئیفت است و به ویژه معاملات یورو، قطع کند. این تیم همچنین شامل دانش‌پژوهان و تحلیل‌گرانی با طیف وسیعی از سوابق، از جمله اطلاعات، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و راستی‌آزمایی، مهارت‌های نظامی، سایبری و زبان فارسی است. این سازمان از لحاظ ایدئولوژیک به بنیاد اعانه ملی مرتبط و بودجه آن از سوی دولت آمریکا و دیگر متحدان آمریکا تأمین می‌شود. این خانه در مورد ایران، برنامه گسترده‌ای در دستور کار دارد که آن را پروژه دموکراسی‌سازی می‌نامد. این برنامه‌ها اغلب در حوزه رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی با عنوان یک برنامه کلی «توسعه جامعه مدنی، حمایت رسانه‌ای» به اجرا درآمده است. طبق این برنامه خانه آزادی تلاش خواهد کرد، تا منبع اطلاعاتی جامعی برای فعالان حقوق بشر ایران فراهم کند و برای این کار ماهنامه‌های الکترونیکی دو زبانه (انگلیسی-فارسی) طراحی و راه‌اندازی کرده است. در بعضی از این مجلات مجموعه مقالات، بررسی و نقد کتاب، فیلم، گزارش‌های تصویری، نامه‌ها و بیانیه‌ها، کاریکاتورهای سیاسی و غیره از ایرانیان داخل و خارج را با تمرکز بر روی حقوق بشر و چالش‌های دموکراسی‌سازی گردآوری و با ارائه بحث و تبادل نظر آنلاین (برخط) در پایان هر مطلب به نوعی به نظر سنجی و ارزیابی افکار عمومی مردم ایران در زمینه موضوعات مطروحه می‌پردازد. (وثوقی و دیگران، 1391: 117)

2. بنیاد هریتیج:

بنیاد هریتیج و تأثیر گذاری بر موضوع دفاع موشکی» عنوان مقاله دیگری است که به موضوع اثر گذاری اتاق‌های فکر بر سیاست‌گذاری دفاعی پرداخته است. به نظر نگارنده، بنیاد هریتیج از شیوه‌های مختلفی به منظور تأثیر نهادن بر فرایند سیاست‌گذاری درباره دفاع موشکی در واشینگتن بهره‌گیری نمود. شیوه نخست، انتشار جزوه یا موجزی با عنوان «یادداشت‌های پشت پرده‌ها و اجرایی‌ها درباره موضوع‌های دقیق مربوط به «دفاع موشکی» بود. این جزوه‌ها هر زمان که کنگره و یا قوه مجریه در صدد اتخاذ تصمیم‌های مهمی در زمینه این موضوع‌ها می‌شد، انتشار می‌یافت. دیگر شیوه‌های تأثیر گذاری شامل برگزاری جلسه‌های توجیهی عمومی و خصوصی برای اعضای کنگره و ستادهای آنان، شهادت دادن در جلسه‌های استماع کنگره، جلسه‌های اطلاع رسانی برای رسانه‌ها و حمایت از مجموعه متنوعی از سخنرانی‌ها درباره موضوع دفاع موشکی بود (Spring, November, 2002).

3. موسسه بروکینگز:

موسسه بروکینگز یک سازمان غیرانتفاعی سیاست‌گذاری عمومی است که در واشنگتن دی‌سی مستقر است. این موسسه کار خود را از سال 1916 آغاز کرد، زمانی که گروهی از اصلاح‌طلبان برجسته، موسسه تحقیقات دولتی (IGR)، اولین سازمان خصوصی که به تجزیه و تحلیل مسائل سیاست‌های عمومی در سطح ملی اختصاص داشت، را تاسیس کردند. مأموریت آن انجام تحقیقات جامع است که منجر به ایده‌های جدید برای حل مشکلات پیش روی جامعه آمریکا در سطح محلی، ملی و جهانی می‌شود. مباحث تحقیق این موسسه شامل سیاست خارجی، اقتصاد، توسعه، حاکمیت و سیاست‌های کلانشهرها است. برنامه سیاست خارجی در بروکینگز به بررسی نظم سریع ژئوپولیتیک قدرت‌های بزرگ و عمده و روابط بی‌نظم بین دولت‌ها و بازیگران فراملی می‌پردازد. برنامه مطالعات اقتصادی این موسسه نیز، مسائل اقتصادی فعلی و نوظهور را که ایالات متحده و جهان با آن روبرو هستند، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و بر ایده‌هایی برای دستیابی به رشد اقتصادی گسترده، بازار کار قوی، سیاست مالی و پولی سالم، و فرصت‌های اقتصادی و تحرک اجتماعی متمرکز است (درباره بروکینگز، قابل دسترسی در سایت www.brookings.edu). این مرکز که با هزینه حیم سابان¹، سرمایه‌دار صهیونیست و حامی حزب دموکرات آمریکا بنیان نهاده شده است، وظیفه تحلیل‌گری و تهیه پژوهش‌های هدفمند و کاربردی عمیق و به موقع را برای تصمیم‌سازان و مخاطبین عام برعهده دارد به گفته این مرکز، مأموریت مرکز سابان، ترسیم مسیر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاورمیانه در جهت صلح در جهان و منطقه است. برخی از پژوهش‌های جاری این مرکز عبارتند از راهبرد آمریکا در قبال خاورمیانه متغیر، سیاست و امنیت در خلیج فارس، آینده مقابله با تروریسم، روابط آمریکا با جهان اسلام، منابع و ذخایر طبیعی و تعارض در خاورمیانه. مرکز سابان سالیانه همایشی را با حضور رهبران برجسته کاخ سفید و رژیم صهیونیستی در واشنگتن و بیت‌المقدس برگزار می‌کند که مسائلی چون عوامل سازنده در روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی و همچنین چالش‌های این رژیم در خاورمیانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از فعالیت‌های عمده انجام شده در مرکز سابان حول محور ایران بوده و پژوهشگرانی در این حوزه کار می‌کنند. موسسه در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹ توسط مرکز سابان گزارش قابل توجهی را منتشر کرد که در آن، جنگ و حمله احتمالی رژیم صهیونیستی علیه ایران شبیه سازی شده بود. نتیجه بررسی آن شبیه سازی شده آن شد که در آن برهه گزینه نظامی علیه ایران از فضای فکری نظام تصمیم‌گیری آمریکا و رژیم صهیونیستی حذف گردید (لایه‌های موثر در تحریم اقتصادی علیه ایران، 1393: 21-22).

4. مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا:

مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا در سال 1914 به عنوان اتاق فکر و بازوی پژوهشی کنگره و به صورت بخشی مستقل در کتابخانه کنگره تاسیس شد. طراح و معمار اولیه تشکیل این مرکز سناتور رابرت لافولت² و قانونگذار مجلس نمایندگان جان نلسون³ از نمایندگان مردم و یکانسنین بودند (ساختار پژوهی مراکز مطالعات آمریکا از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، 1390: 18). مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا (CRS) به عنوان کارکنان مشترک کمیته‌های کنگره و اعضای کنگره فعالیت می‌کند. این بخش همچنین به برنامه‌ها و استراتژی‌های کمک خارجی ایالات متحده، تخصیص منابع، بودجه و کارکردهای وزارت امور خارجه، بدهی‌های بین‌المللی، دیپلماسی عمومی و قوانین مربوط به روابط خارجی می‌پردازد. مسئولیت‌های تحقیقاتی شامل سیاست امنیت ملی؛ استراتژی نظامی؛ درگیری‌های پویا؛ هوش سیستم‌های تسلیحاتی ایالات متحده و خارجی؛ عملیات نظامی؛ کسب دفاع، جبران خسارت (غرامت)، بهداشت و مسائل اجتماعی در ارتش؛ بودجه دفاعی امنیت سایبری در دفاع و اطلاعات؛ تأثیر فناوری‌های پیشرفته بر امنیت جهانی و پایگاه‌های نظامی داخلی و خارجی ایالات متحده. این بخش علاوه بر قوانین مربوط به تجارت، سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکرد تجاری و جریان سرمایه‌گذاری ایالات متحده، تحولات مهم اقتصادی بین‌المللی و نقش‌ها و مسئولیت‌های نهادهای مالی بین‌المللی را بررسی می‌کند. همچنین به مذاکرات و موافقت‌نامه‌های تجاری، ترویج صادرات، مقررات واردات و تعرفه‌ها توجه می‌شود. کارشناسان CRS در هر مرحله از مراحل قانونگذاری - از ملاحظات اولیه پیش از تهیه لایحه، از طریق جلسات جلسات کمیته و بحث و گفتگو، تا نظارت بر قوانین مصوب و فعالیت‌های مختلف نهاد (کنگره)، حضور دارند. بخش امور خارجه، دفاع و تجارت در هشت بخش منطقه‌ای و کاربردی سازمان یافته است که تحولات مهم امنیتی، سیاسی و اقتصادی جهانی را برای کنگره دنبال می‌کند؛ شامل روابط ایالات متحده با کشورهای جداگانه، روندهای منطقه‌ای و مسائل فراملی مانند تروریسم، پناهندگان

¹ - Haim Saban

² - Senator Robert LaFollet

³ - Representative John M. Nelson

و سایر بحران‌های بشردوستانه؛ بهداشت جهانی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و نهادهای جهانی مانند سازمان ملل است. (بخش امور خارجه، دفاع و تجارت CRS، قابل دسترسی در سایت (www.loc.gov).

5. موسسه‌ی واشنگتن در سیاست خاور نزدیک:

در سال 1985، گروه کوچکی از آینده‌نگران آمریکایی متعهد به پیشبرد منافع ایالات متحده در خاورمیانه، موسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن را تاسیس کردند. امروز بزرگترین موسسه تحقیقاتی هست که منحصراً به مطالعه خاورمیانه اختصاص یافته است. کارمندان ارشد تحقیقات موسسه شامل متخصصانی در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی هستند که هر گوشه از خاورمیانه را پوشش می‌دهند. آن‌ها به زبان‌های منطقه صحبت می‌کنند، در آنجا زندگی و کار کرده‌اند و اغلب از اهل همان منطقه هستند. هدف انستیتوی واشنگتن تعمیق درکی متعادل و واقع‌بینانه از منافع آمریکا در خاورمیانه و نیز پیشبرد سیاست‌هایی برای حفظ آن منافع است (درباره موسسه واشنگتن در سیاست خاور نزدیک، قابل دسترسی در سایت (www.washingtoninstitute.org). بخشی از رسالت این مرکز مطالعاتی تهیه پژوهش‌های جهت‌دار با محوریت جمهوری اسلامی ایران و جنبش‌های مقاومت اسلامی است. به طوری که از سال 1992 گزارش‌های سالانه‌ای را با عنوان اسلام و چالش‌های ایالات متحده منتشر می‌کند که نقش مهمی را در ترویج اسلام‌هراسی در آمریکا دارد. این موسسه نشریاتی همچون دیده‌بان صلح و دیده‌بان سیاسی را منتشر می‌کند که در آن‌ها به مطالعه مواردی همچون روند صلح اعراب و اسرائیل، سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، رادیکالیسم مذهبی، اقتصاد منطقه‌ای و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی پرداخته می‌شود.

برخی پژوهش‌های این مرکز با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- روابط راهبردی ایران و روسیه نوشته برندا شافر¹ در سال 2001،

- اولویت‌های سیاست داخلی ایران نوشته مایکل روبین در سال 2002،

- سیاست هسته‌ای ایران و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی: ارزیابی پروتکل 2+93 نوشته چن زاک² در سال 2002،

تروریسم تاکتیکی: چالش دائمی ایران در برابر خاورمیانه سکولار نوشته مایکل روبین³ در سال 2003. موسسه واشنگتن در امور خاور نزدیک برای افزایش نقش‌آفرینی و اثرگذاری بر تحولات خاورمیانه، میزهای مطالعاتی مخصوصی را در مورد مصر، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، لبنان، کشورهای حاشیه خلیج فارس، ترکیه، سوریه، آفریقای شمالی و فلسطین تاسیس و برنامه‌هایی نظیر ابتکار امنیتی⁴ ایران را در راهبرد پژوهشی خود تعریف کرده است (ساختار پژوهی مراکز مطالعات آمریکا از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، 1390: 21-23).

6. شورای روابط خارجی (CFR):

CFR در سال 1921 با هدف شروع گفتگو در این کشور درباره نیاز آن‌ها برای درک بهتر جهان تاسیس شد. این شورا بیش از 5000 عضو دارد. در ردیف‌های این موسسه مقامات عالی دولت، دانش‌پژوهان، وکلا، متخصصان غیرانتفاعی، روزنامه‌نگاران، مربیان، رهبران مذهبی و مدیران بازرگانی حضور دارند. هر ساله CFR بیش از صد رویداد ضبط شده، تماس‌های کنفرانسی و پادکست‌هایی را برگزار می‌کند که در آن مقامات ارشد دولت، رهبران جهانی، مدیران بازرگانی و متفکران برجسته درباره مسائل بین‌المللی ضروری بحث و تبادل نظر می‌کنند.

شورای روابط خارجی با هدف تصمیم‌سازی در مسائلی چون دفاعی و امنیت سرزمین، دموکراسی و حقوق بشر، اقتصادی، انرژی و محیط زیست، حکومت جهانی، فناوری و علوم پایه، امنیت و صلح بین‌المللی، اجتماع و فرهنگ، تروریسم و راهبردها و سیاست‌های آمریکا تمرکز مطالعاتی دارد. در این راستا شورا روابط خارجی، محورهای مطالعاتی خود را با برپایه بررسی تحولات مناطق مختلف جهان قرار داده و برنامه‌های تحقیقاتی مختلفی را در حوزه‌های جغرافیایی اروپا، آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، خاورمیانه و مراکز بین‌المللی و حکومت‌های جهانی در دستور کار خود قرار داده است. شورای روابط خارجی تمرکز جدی بر روی ایران دارد به طوری که سیاست‌های آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، مستقیماً توسط شورا اتخاذ می‌گردد. سردمداران آن تلاش کرده‌اند تا همواره با اتخاذ سیاست‌های مختلف، نظام جمهوری اسلامی ایران را به شکست بکشاند که تحمیل جنگ هشت ساله به ایران، یکی از راهبردهای سخت آن‌ها بود. با شکست راهبرد سخت علیه ایران، شورای روابط خارجی، اقدامات نرم افزارانه را علیه ایران به کار گرفت؛ برای مثال در دکترین امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۶ مقابله نرم با ایران در اولویت قرار گرفت که دامن زدن به نافرمانی‌های اجتماعی در تشکل‌های دانشجویی و نهادهای

1 - Brenda Shaffer

2 - Chen Zak

3 - Michael Rubin

4 Iran Security Initiative

غیردولتی، ایجاد شبکه‌های متعدد فارسی‌زبان، دامن زدن به شکاف‌های قومی و راه‌اندازی NGO ها بخشی از این دکترین بود. همچنین شورای روابط خارجی در فتنه بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ ایران نقش جدی داشت به طوری که حمایت از جنبش سبز و تخصیص بودجه ۵۰۰ میلیون دلار توسط کنگره از آن جمله بود (لای‌های موثر در تحریم اقتصادی علیه ایران، 1393: 29-30).

7. موسسه‌ی آمریکن اینترپرایز:

موسسه Enterprise American تحقیقات اصلی را در مورد اقتصاد جهان، سیاست خارجی ایالات متحده و امنیت بین‌الملل و مسائل سیاسی و اجتماعی داخلی انجام می‌دهد. در وبسایت مؤسسه بخشی با موضوع ایران وجود دارد که در آن به صورت پیوسته تحلیل‌هایی مغرضانه در مورد مسائل مختلف مرتبط با ایران منتشر می‌شود. علاوه بر این، در وبسایت irantracker.org که یکی از بخش‌های وابسته به این مؤسسه است مسائل ایران به صورت اختصاصی مورد بحث قرار می‌گیرند. این موسسه در سال 2011، گزارشی با عنوان "بازدارندگی و مهار ایران هسته‌ای" منتشر کرد و در آن سناریوهای مختلف رویارویی با ایران در صورت دستیابی به سلاح هسته‌ای را بررسی نمود. در این گزارش عنوان شده است که چالش ایران هسته‌ای از سخت‌ترین مشکلاتی است که ایالات متحده با آن روبرو شده است. ایران به زودی تهدیدی وجودی برای ایالات متحده ایجاد خواهد کرد به روشی که اتحاد جماهیر شوروی از دهه 1960 تا فروپاشی آن تهدید می‌کرد - حداقل به این معنا که یک زرادخانه هسته‌ای داشته باشد که قادر به نابودی واقعی ایالات متحده باشد. اما ایران با دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای به آستانه دیگری خواهد رسید - توانایی نگه داشتن آمریکا و متحدانش در ترس دائمی. این بدون شک سیاست‌های امنیت ملی و خارجی آمریکا را برای آینده قابل پیش بینی عمیقاً تغییر داده و منشأ ناراحتی (نارضایتی) دائمی را در یک منطقه و جهانی که بیش از حد کافی از ناآرامی و پریشانی رنج می‌برد، معرفی می‌کند (Duhovny, Emily: 2011).

8. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل:

در اوج جنگ سرد در سال 1962، دریادار آرلی بورک و دیوید آبشایر مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) را در دانشگاه جورج تاون در واشنگتن دی سی تأسیس کردند. این موسسه به هدف ساده اما مبرم یافتن راه‌هایی برای بقای ایالات متحده به عنوان یک کشور و پیشرفت به عنوان یک ملت اختصاص یافته بود (در باره CSIS قابل دسترسی در سایت www.csis.org). مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل از همان اوایل تأسیس توانست با تشکیل میزهای پژوهشی تخصصی و ارائه راهبردها و راهکارهای موثر در حل مشکلات و چالش‌های امنیت ملی و سیاست خارجی، در صف مقدم اتاق‌های فکر ایالات متحده قرار گیرد. در حال حاضر این مرکز مطالعاتی به عنوان یکی از اتاق‌های فکری تاثیرگذار در حوزه تصمیم‌سازی کاخ سفید، مهم‌ترین و کارآمدترین راهبردها و راهکارها را در حوزه سیاست خارجی، نظامی و امنیتی و همچنین بحران‌های جهانی به سیاستمداران آمریکا و روسای کشورهای همسو با سیاست‌های این کشور ارائه می‌کند. این موسسه در 1987، اولین جلسه عمومی در کنگره را درباره نسل‌کشی کامبوج تشکیل داد. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان نقش تعیین کننده‌ای در ترسیم سیاست‌های دفاعی ایالات متحده در قبال شوروی داشت. همچنین این مرکز راهبردی، در پی‌ریزی سیاست‌های نظامی و خارجی دولت کلینتون فعال بود و در راهبرد آمریکای جدید در قرن 21 که اواسط دهه 90 تصویب شد، سیاست‌های نظامی این راهبرد را این مرکز طراحی و تدوین کرده بود. در زمان ریاست جمهوری جرج بوش، این مرکز با تاسی از مدیران نومحافظه کار خود، رویکرد القای شغل و هیمنه به نظام بین‌الملل و به ویژه به منطقه راهبردی خاورمیانه و جهان اسلام را به عنوان محور سیاست خارجی دولت بوش قرار داد و با تنظیم سند راهبرد امنیت ملی 2002، دولت آمریکا عملاً وارد کارزار نظامی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و تبلیغاتی در عرصه بین‌المللی در آغاز قرن ۲۱ شد که حمله به افغانستان و عراق نتیجه اجرایی شدن سند راهبرد امنیت ملی 2002 بود. همچنین این مرکز در سال ۲۰۰۷ طرح اتخاذ قدرت هوشمند به عنوان محور سیاست خارجی آمریکا را به کنگره ارائه کرد و پس از تصویب محور اساسی رویکرد سیاست خارجی دولت اوباما در نقاط حساس و راهبردی جهان شد.

این مرکز تمرکز جدی بر روی مسائل ایران داشته و با تشکیل میز مطالعات ایران به سرپرستی فریبرز قدر طرح‌های پژوهشی گسترده‌ای را در موضوعاتی چون پرونده هسته‌ای ایران، مسائل نظامی ایران، نوسازی سیاسی و سکولاریسم، تحولات اقتصادی، دگرگونی اجتماعی و فرهنگی ایران و ... در دستور کار خود قرار داده است (ساختار پژوهی مراکز مطالعات آمریکا از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، 1390: 36-37).

Arlen Specter و Christopher Bradish در سال 2006 در تحلیلی درباره ایران عنوان کردند که آمریکا در رویارویی با برنامه‌های هسته‌ای ایران و کره شمالی باید بخواهد که به طور دوجانبه‌ای با آن‌ها

گفتگو کند. موفقیت در توقف این تهدیدها نیازمند کمک‌های چندجانبه از سوی دیگر قدرت‌های جهان است، اما موفقیت ما در رفتار محترمانه و موقرانه با آن‌ها می‌تواند راه طولانی را برای خلع سلاح آن‌ها هم از نظر نظامی و هم از نظر دیپلماتیک طی کند. تروریسم، توانایی هسته‌ای نظامی، انرژی، عراق، و جنگ بین اسرائیل و فلسطین از امور مهمی هستند که پیش روی آمریکا و جهان قرار دارند. همه این چالش‌ها به ایران مرتبط می‌شوند و هیچ کدام از آن‌ها را نمی‌توان بدون ایفای نقش ایران مورد بررسی قرار داد و حل کرد.

بخش سوم: کشورها موثر بر تحریم‌های آمریکا علیه ایران

افزون بر عوامل لابی‌های یهودی و اتاق‌های تفکر در ساختار آمریکا و تاثیر آنها بر تحریم‌های آمریکا علیه ایران، کشورها نیز به عنوان یک بازیگر مستقل نیز در سطح دولت بر فرایند سیاستگذاری آمریکا در باب تحریم‌ها موثر بوده‌اند. کشورهای همچون اسرائیل، عربستان، امارات و .. از جمله مهمترین کشورهای می‌باشند که در این زمینه نقش بازی کردند. کشور اسرائیل در سطح دولتی همواره یکی از مهمترین اهداف سیاست خارجی خود را محدود کردن ایران قلمداد کرده و این موضوع را در روابط دو جانبه خود با کشور آمریکا به طور خاص پیگیری کرده و در تمام ادوار روسای جمهوری آمریکا نیز به دنبال ضربه به جمهوری اسلامی ایران بوده است. اسرائیل مهمترین ابزار در تسلیم ایران را همواره تحریم دانسته و معتقد بوده است با وضع تحریم‌های گسترده و فلج کردن اقتصاد ایران، مردم شورش خواهند کرد و حکومت را سرنگون خواهند کرد. روسای جمهور و نخست وزیران اسرائیل در هر دیدار علنی و غیر علنی با آمریکا و سایر قدرت‌های بین‌المللی بر لزوم کنترل ایران و تحریم‌های گسترده تاکید کرده و به همین خاطر هم بوده است که نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل با برجام به شدت مخالفت کرده و مخالف برداشتن تحریم‌ها در نتیجه‌ی توافق هسته‌ای توسط اوپاما بوده است. در ادامه نیز یکی از مهمترین عوامل محرک ترامپ برای خروج از برجام نیز نتانیاهو بوده است و او نقش موثری بر سیاست‌های خاورمیانه‌ای ترامپ به خصوص در وضع مجدد تحریم‌ها و اعمال تحریم‌های گسترده تازه بر علیه ایران، داشته است. بنابراین اسرائیل در سطح دولتی نقش موثری بر وضع و اجرای تحریم‌ها علیه ایران داشته است. از دیگر کشورهای می‌باشند که بر اجرای تحریم‌های آمریکا علیه ایران نقش داشته‌اند می‌توان به کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس اشاره نمود. کشورهای چوچون امارات متحده عربی و عربستان در جریان اجرای تحریم‌های مالی و بانکی آمریکا در سالهای 1396 و سال‌های بعد آن، تا جای ممکن از طریق محدودیت‌های ارزی توانسته‌اند فشار تحریم‌ها را بر ایران مضاعف و دوچندان کنند. فشار امارات متحده عربی بر صراف‌ها و کارگزاری‌های بانکی برای ممنوع کردن فعالیت‌های ایرانی‌ها و همچنین ندادن خدمات به ایران از جمله مهمترین اقدامات این کشور در اجرای تحریم‌ها علیه ایران بوده است که در این میان آمریکا با گسیل کارشناسانی در حوزه تحریم‌ها به امارات، تمام منافذ مالی و بانکی و حتی فروش نفت و مشتقات آن و سایر فعالیت‌های بازرگانی ایران را محدود نمود و تاثیر تحریم‌ها را به حداکثر رساند. عربستان سعودی نیز با کمک به اسرائیل در سطح رسمی و دولتی هم با توصیه به کشورهای عربی تحت نفوذ خود جهت بستن منافذ اقتصادی و مالی با ایران بر تحریم‌ها اثر گذار بوده است و هم اینکه در سطح رسمی پیش شرط مرادات گسترده خود با آمریکا را وضع محدودیت و تحریم بر ایران قلمداد کرده و همچنین این کشورها در جریان تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران خود را علناً متعهد به افزایش تولید نفت برای جایگزین کردن مازاد نفت خود برای نفت ایران در بازار به دنیا معرفی کرده‌اند که قیمت نفت علی‌رغم عدم حضور ایران در بازار نفت، افزایش قیمت نداشته باشد.

نتیجه‌گیری

تحریم در ابعاد مختلف سیاسی، دیپلماتیک، نظامی، فناوری و مهمتر از همه اقتصادی؛ همواره یکی از مهمترین ابزارها در سیاست خارجی آمریکا از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است و به نوعی جایگزینی فوری‌تر برای جنگ در رسیدن به اهداف خارجی این کشور محسوب می‌شود. ایالات متحده وضع تحریم‌ها را با اهداف مختلفی بر کشورهای متخاصم خود از زمان استقلال در سیاست خارجی به کار می‌گرفته است. شواهد تاریخی این مساله، تحریم انگلیس در پس از استقلال این کشور و پس از آن در طول جنگ‌های جهانی و بالاخص پس از جنگ دوم جهانی بر علیه کشورهای مختلف از جمله شوروی، کشورهای آمریکای لاتین مخالف آمریکا، کره شمالی، ویتنام و پس از جنگ سرد در کشورهای خاورمیانه‌ای نظیر عراق و ایران و ... می‌باشد.

در یک نظام سیاسی متکثر و پیچیده در امر تصمیم‌گیری و همچنین مرکز فرماندهی خیلی از تحولات جهانی، طبیعی است که کانون‌های فکری زیادی جهت مطالعه و خطدهی در سیاست خارجی وجود داشته باشند. کانون‌های فکری یا اتاق‌های فکر، سازمان‌هایی هستند که هدف اصلی آن‌ها تحلیل سیاسی است. آن‌ها به دنبال اطلاع‌رسانی به شهروندان و مقامات دولتی هستند و سعی می‌کنند به واسطه تحقیقاتشان

کمک‌های پژوهشی به دست آورند. اتاق‌های فکر یا تینک تنک‌ها، حلقه اتصال میان دولت و مردم هستند و ترکیبی از ویژگی‌های گروه‌های ذی نفوذ و احزاب سیاسی را دارا هستند. برخی تینک تنک‌ها مثل موسسه موقوفه کارنگی برای صلح بین‌المللی، ورای روابط خارجی، موسسه دیدبان جهان با موضوعات سیاست خارجی مرتبط هستند و برخی دیگر در موضوعات داخلی و بعضاً برخی در هر دو بعد داخلی و خارجی فعالیت دارند.

کارکنان و اعضای اتاق‌های فکر از محققان عالی‌رتبه‌ای هستند و برخی وابسته به دانشگاه و برخی دیگر مستقل بوده که می‌توانند از درها عبور کنند و افرادی را ملاقات کنند که افراد معمولی امکان را ندارند. آن‌ها معمولاً کارکنان کنگره را می‌شناسند. هر گاه کمیته‌ای به دنبال مدرکی در زمینه‌ای خاص باشد، معمولاً به نمایندگان تینک تنک‌ها رجوع می‌کند. محققان تینک تنک‌ها شبکه ارتباطی گسترده‌ای با شخصیت‌های دانشگاهی، مقامات دولتی، روزنامه‌نگاران، تجار، نمایندگان کشورهای خارجی و غیره دارند. اغلب محققان اتاق‌های فکر یا مورد پیشنهاد مراکز قوه مجریه و تصمیم‌گیرنده قرار می‌گیرند و یا از سوی آن‌ها برای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی مورد پرسش واقع می‌شوند. مثلاً برخی‌ها معتقدند که تهیه پروژه قرن توسط تینک تنک اینترپرایز بر حمله بو به عراق خیلی تأثیر گذار بوده است. از دیگر گروه‌های بیرونی موثر در سیاست خارجی به‌طور اعم و سیاست تحریمی ایالات متحده علیه دیگر کشورها از جمله ایران می‌توان به لابی‌ها اشاره داشت، از جمله این گروه‌های نفوذ می‌توان به لابی یهود (آییک) اشاره داشت: لابی‌های یهودی با دقت بیشتری و بیشتر از هر نهاد رسمی قدرتی در آمریکا، حول و حوش کنگره چرخیده و بر آن احاطه دارند و راه اصلی در رسیدن به اهداف خود را در نزدیکی بیشتر به قوه مقننه و قانونگذار می‌دانند. چنانچه گفته شد، نقش کنگره در تعیین سیاست منطقه‌ای کاخ سفید برجسته است. کنگره از جمله با اختصاص کمک‌های خارجی آمریکا و تصویب تحریم‌های اقتصادی به سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا شکل می‌دهد. در شرایطی که کمک‌های سالیانه نظامی و اقتصادی آمریکا به اسرائیل و دیگر متحدین منطقه‌ای آن سرازیر می‌شود. تحریم‌های اقتصادی علیه مخالفان منطقه‌ای اسرائیل یعنی ایران، سوریه و گروه‌هایی مانند حزب‌با... و حماس به اتهام اقدامات تروریستی و یا حمایت از تروریسم وضع می‌شود. تروریسم در کنار برنامه هسته‌ای دو دستاویز درازمدت تقابل آمریکا با ایران بوده که هر دو مستقیماً به امنیت، منافع و سیاست‌های اسرائیل مرتبط می‌شود و نه لزوماً به منافع امنیت آمریکا. وزارت خارجه آمریکا در سال‌های 1979 و 1984 سوریه و ایران را به عنوان حامیان تروریسم خواند و زمینه اعمال محدودیت‌های قانونی متعدد بر کمک‌های غیر اضطراری، تجارت، خدمات بانکی و معاملات اقتصادی با این دو کشور را ایجاد کرد. در دوره بیل کلینتون لابی اسرائیل در کنگره فعال شد، کلینتون تحت فشار آییک و دیگر نیروهای طرفدار اسرائیل اعمال محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران را سخت‌تر کرد. آییک ناظر بر پیگیری تدوین تحریم‌های جامع علیه ایران و گستراندن آن به طرف‌های ثالث بود. قانون تحریم‌های ایران و لیبی یکی از بسترهای نگاه جدید آییک بود. در تدوین بسیاری از مجازات‌های اقتصادی و اشنگتن علیه تهران می‌توان دست لابی اسرائیل و عناصر آن را در دولت و کنگره مشاهده کرد. اواخر می 2007 رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان تام لنتوس طرفدار اسرائیل بانی قانون ضد پیشرفت ایران شد. نکته مهم این قانون تسری دادن تحریم‌ها به واحدهای فرعی شرکت‌های آمریکایی بود تا شرکت‌های مزبور حتی به خاطر معاملات واحدهای فرعی خارجی‌شان با ایران مشمول تحریم قرار گیرند. یکی از جبهه‌های پیشبرد جنگ اقتصادی علیه ایران که در آن مقامات دولتی طرفدار اسرائیل ایفای نقش می‌کنند وزارت خزانهداری آمریکاست. نفوذ موثر لابی اسرائیل بر سیاست ایالات متحده سبب شده تضمین دادن مقامات آمریکایی به طرفداران اسرائیل در مورد تداوم فشارهای واشنگتن بر تهران به وظیفه تخطی ناپذیر آن‌ها به ویژه در مقاطع رقابت‌های انتخاباتی بدل شود. اوباما در سخنرانی در جمع لابی اسرائیل در سال 2011 تأکید کرد که تعهد ما به امنیت مشترکمان در عزممان برای جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای جلوگیری است. وی افزود که بیشترین تحریم‌ها را علیه حکومت ایران وضع کرده و جامع‌ترین تحریم‌ها را در سازمان ملل همراه متحدان خود تضمین کرده است بطوری که ایران امروز از بخش‌های بزرگ نظام مالی بین‌المللی جدا شده است. .

لابی اسرائیل در آمریکا تلاش می‌کند فزاینده‌ای باقی بماند و از حمایت هر دو حزب عمده در آمریکا بهره‌مند شود. به دنبال موفقیت لابی اسرائیل در اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، نظارت سازمان‌هایی چون آییک بر اجرای تحریم‌ها و تلاش برای تداوم و تقویت مجازات طرف‌های ثالث در سال‌های 2012 و 2013 تداوم یافت. آییک در پی اجرای تحریم‌های اقتصادی علیه ایران با ارائه آمار، این دیدگاه را مطرح می‌کند که تحریم‌های مالی و تجاری، آثاری بی‌سابقه بر اقتصاد ایران بر جای نهاده و از این حیث موفقیت‌آمیز بوده است. تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران نشان می‌دهد که لابی اسرائیل توانسته به میزان زیادی در القای منافع و تهدیدات مشترک آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه در بین قانونگذاران و سیاستمداران آمریکایی کامیاب گردد. آنچه به عنوان تهدیدات اولویت‌دار علیه منافع امنیتی

و سیاسی و اشنگتن از جانب تهران مورد اشاره و تاکید مقامات آمریکایی قرار می‌گیرد. هم پوشانی غربی با نگرانی‌ها و چالش‌های اسرائیل دارد. مواردی مانند ادعای حمایت ایران از تروریسم، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، مخالفت با گفتگوهای اعراب و اسرائیل- که به منزله مسائل عمده در روابط ایران و آمریکا مطرح بوده- دقیقاً موضوعاتی است که به ملاحظات و منافع اسرائیل برمی‌گردد. حتی اتهام نقض حقوق بشر در ایران نیز در قالب کلی تلاش برای فشار بر تهران به قصد تغییر رفتار ایران باید ارزیابی گردد که مورد نظر اسرائیل است. نفوذ قاطع لابی اسرائیل بر دستگاه‌های تصمیم‌گیر آمریکا- از وزارت خزانه داری گرفته تا وزارت خارجه و از کنگره گرفته تا مشروعت بخشی به اعمال تحریم علیه ایران و اجماع سازی در این باره را تسهیل کرده است. لابی اسرائیل، علاوه بر نمایندگان متعددی که به طور رسمی در ساختار قدرت آمریکا دارد و از آن‌ها در مقابله با ایران بهره می‌گیرد، از بسیج افکار عمومی و جلب حمایت صاحب‌نظران غفلت نمی‌کند. وجود سامانه درخواست از نمایندگان کنگره برای تصویب تحریم‌ها علیه ایران در سایت آپیک و توجیه نظری به اصطلاح تهدید ایران و ضرورت برخورد با آن در این زمینه شایان اشاره است.

در یک جمع بندی می‌توان گفت که لابی اسرائیل نفوذی قاطع بر دستگاه‌های تصمیم‌گیر در آمریکا از وزارت خزانه داری گرفته تا خارجه و کنگره و دولت دارد. حضور موثر عناصر طرفدار اسرائیل در مراکز تصمیم‌گیری ایالات متحده، مشروعت بخشی به تحریم‌ها علیه ایران، اجماع سازی در این باره را تسهیل کرده است. لابی اسرائیل، علاوه بر نمایندگان متعددی که به طور رسمی در ساختار قدرت آمریکا دارد، از طریق بسیج افکار عمومی و جلب حمایت صاحب‌نظران نیز بهره می‌برد. وجود سامانه درخواست از نمایندگان کنگره برای تصویب تحریم‌ها علیه ایران و در سایت آپیک و تسری آن به سایر گروه‌های لابی گر یهودی علیه ایران، یکی از این نمونه‌ها می‌باشد.

منابع:

- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد و مجتبی بابایی (1394)؛ «نقش اتاق‌های فکر در اعمال تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، شماره 32.
- بخشایشی اردستانی و محمد شاهی (1390)؛ «جی استریت، لابی نوظهور در ایالات متحده آمریکا»، مجله روابط بین الملل، شماره 17
- شیرازی، ابوالحسن و محمدرضا ابراهیمی (1395)؛ «تحلیلی بر عملکرد و مواضع لابی صهیونیست در قبال برجام»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره 11.
- سازمان پافند غیرعامل (1393)؛ «لابی‌های موثر در تحریم اقتصادی علیه ایران، انتشارات نیلوفران.
- لابی‌های موثر در تحریم اقتصادی علیه ایران، 1393: 21-22
- ساختار پژوهی مراکز مطالعات آمریکا از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، 1390: 18
- زادگان، محمدرضا (1395)؛ «تاثیر لابی اسرائیل بر سیاست خارجی آمریکا در قبال بحران سوریه»، مجله سیاست، شماره 9.
- زهرانی، مصطفی (1376)، نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- زهرانی، مصطفی (1387)، مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالش‌های نفت ایران، بررسی مسائل اقتصاد انرژی، فصلنامه بررسی مسائل اقتصاد انرژی، سال اول، شماره 2.
- طباطبایی، سیدعلی (1385)؛ «لابی یهودیان آمریکا، کارگزار تحریم ایران»، مجله سیاست خارجی، شماره 1.
- علوی، سیدیحیی و داریوش امیری (1395)؛ «نقش کنگره و وزارت خزانه داری آمریکا در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران (2010-2014)»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره
- فرهی، فریده (1376) «شناخت تحریم آمریکا علیه ایران»، سیاست خارجی، سال 11، شماره 1.
- قاسمی، بهزاد (1387)، تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر رفتار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، شماره 4 و 5.
- قاسمی، مصطفی (1387)؛ «تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن»، مجله مربیان، شماره 27
- قمری فرزاد، فرهاد (1394)، مدیریت تحریم‌های اقتصادی با تاکید بر اقتصاد مقاومتی، اولین کنفرانس مدیریت و کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی.
- گرشاسپی، علیرضا و مجتبی یوسفی دیندارلو (1395)، بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی شماره 25.

- منتظران، جاوید و سعید قربانی (1395)؛ «بررسی بینش‌های اخرا زمانی مسیحیان صهیونیست در تدوین راهبردهای ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه»، مجله مطالعات منطقه‌ای، شماره 62.

- وثوقی، سعید و مصطفی محمدی (1391)؛ «قدرت نرم؛ ابزار فرهنگی ایالات متحده در خاورمیانه و جنگ نرم با ج. ا. ایران»، مجله مهندسی فرهنگی، شماره 69 و 70.

-نفیو، ریچارد (1397)، هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان، مرکز پژوهش‌های مجلس.

-یزدان پناه، احمد (1374)، تحلیلی تئوریک از تحریم‌های اقتصادی، بررسی‌های بازرگانی، شماره 98.

- Duhovny, Emily. (2011), J Street's Role as a Broker: Is J Street Expanding the Reach of the Organized American Jewish Community? at <http://hdl.handle.net/2027.42/85262>, (accessed on 2017, Sep, 2).

eastern outlook.

-O'Toole, B., and Sultoon, S., (2019). "Sanctions explained: How a foreign policy problem becomes a sanctions program".

- Traub, James. (2009), the New Israel Lobby. The New York Times Magazine, 9 Sept. at <https://www.nytimes.com/2009/09/13/magazine/13JStreet-t.html>, (accessed on 2017, Mar, 18).

-www.brookings.edu

-www.loc.gov

- www.washingtoninstitute.org

- www.csis.org